

ماہنامہ

«اہل گویجی»

(قدرت خلق)

کانون فرہنگی و سیاسی خلق ترکمن

www.iran-archive.com

شماره ۲	قدرت خلق	سال اول
فهرست		
۵	۱- بر مقاله - مسئله ملی و لیبرالها	
۹	۲- درود بزرگتر متحد گارگر	
۱۲	۳- چگونگی فعالیت شورایی روستائیان ترکمن صحرا	
۲۵	۴- گزارش روستایی - روستای قرهسو	
۲۹	۵- تاریخ خلق ترکمن (۲)	
۳۶	۶- شناخت شعر کلاسیک ترکمن (۲)	
۴۲	۷- شعر ... سرود میهن پرست	

مسأله ملی و لیبرال‌ها

قیام شکوهمند بهمن ماه که به نیروی لایزال زحمتکشان سراسر میهنمان و سایر نیروهای خلقی صورت گرفته بود، بالاخره رژیم منفور پهلوی را به کور سپرد، توده‌های زحمتکش و ستمکش میهنمان در جریان جنبش دو سال اخیر با طرح خواسته‌های اساسی خود خواستار آزادی، کار، مسکن و قطع هرگونه وابستگی کشورمان به امپریالیزم آمریکا بودند، آنها از فردای قیام با مشت‌های گره کرده و با شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" نفرت و انزجار خویش را از آمریکا اعلام داشتند. خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و عرب نیز که تحت ستم مضاعف ملی و طبقات از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی محروم بوده و بارگران ستم رژیم و عوامل آن را بر دوش می‌کشیدند، همگام و همدوش با زحمتکشان و سایر اقشار انقلابی میهنمان، در جهت تحقق خواسته‌های انقلابی خود، در امر مبارزه با رژیم سرکوبگر و اربابان آمریکائی آن به نحوی پیگیر شرکت کردند. اما جناح روحانیت بمثابه نماینده بخشی از قشر خرده بورژوازی، رهبری جنبش را در دست گرفته و بعد از قیام و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیزم شاه بغلت ناتوانی تزلزل و عدم قاطعیت، حاکمیت را در اختیار سرمایه‌داران وابسته لیبرالی چون بازرگان‌ها و امیران نظام‌ها از یکطرف و عوامل مستقیم امپریالیزم آمریکا مانند قطب‌زاده‌ها و یزدی‌ها از طرف دیگر قرار داد، و با ترس از گسترش و اوجگیری مبارزات بر حق کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه در هر گام به مجری سیاستهای ارتجاعی آنان

تبدیل شد. بر این اساس بود که حاکمیت سیاسی مجری سیاستهای سرمایه - داران وابسته و امپریالیسم شده و با استفاده از دستگاههای سرکوب ویژه، حرکت‌های حق‌طلبانه کارگران و افسار ستمکش جامعه را بیرحمانه سرکوب می‌کرد، بیاد بیاوریم به آتش کشیده شدن تظاهرات کارگران اصفهان و خرمدره را و همچنین گلوله‌باران شدن توده‌های بی‌خانمانی که گناهستان مصادر انقلابی آپارتمان‌های یک سرمایه‌دار بود و ... لیبرال‌ها و نمایندگان مستقیم انحصارات با وسیله قرار دادن روحانیت قشری، در پوشش مذهب، و با استفاده از کرایشات ارتجاعی آنان، مردم را به هزار حيله از ادامه جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک باز می‌داشتند، همان توده مردم ستمکش را که با مشت‌های گره کرده خود و با قیام مسلحانه رژیم وابسته شاه را سرنگون کرده بودند، آشکارا تحمیق می‌کردند، با تشکیل باندهای سیاه دست به اغتشاش زده و با ایجاد جو فاشیستی امکان فعالیت آزاد را از طرف‌نیروهای انقلابی و ترقیخواه محدود می‌کردند. در چنین شرایطی که دموکراسی و مبارزه ضد امپریالیستی از طرف ارتجاع حاکم به بند کشیده شده بود، مبارزات حق‌طلبانه خلق‌های کرد، ترکمن، بلوچ و عرب بخاطر رفع ستم ملی و طبقاتی و در جهت پیشبرد امر مبارزه ضد امپریالیستی مردم میهنمان شکل گرفته و در مدتی کوتاه در جهت تحقق شرایط دموکراتیک در میهن و تشدید مبارزه ضد امپریالیستی از سوی توده‌های زحمتکش جامعه تأثیر بسزایی داشته است. در این میان سرمایه‌داری لیبرال این پایگاه داخلی امپریالیزم که اوجگیری جنبش را با منافع خود و اربابانش مغایر می‌دید، بهمراه قشریون که حرکت توده‌ها را خلاف جهت خواست‌های قشری و ضد دموکراتیک، سازشکاری، تردید و انحصارطلبی خویش می‌دیدند مشترکاً "اقدام به سرکوب مبارزات عادلانه و بحق خلق‌ها نمودند، هر چند قشریون و عوامل و ایادی مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم در درون و بیرون حاکمیت اهداف، سیاست‌ها و منافع متفاوتی را تعقیب می‌کردند ولی درحوزه عمل حرکات آنها پیوند یافت و در مجموع به خدمت امپریالیسم درآمد با اینهمه قشریون در

مقابل مقاومت حماسه‌آفرین خلقها مجبور به عقب‌نشینی هر چند موقتی از مواضع ارتجاعی خود شده‌اند، و اکنون در شرایطی که جنبش‌اوج‌گیرنده ضد-امپریالیستی و دموکراتیک توده‌های محروم و ستمکش ما و افشاگری نیروهای انقلابی می‌رود که امپریالیزم و عوامل سرسپرده آن را در درون حاکمیت سیاسی بیش از پیش افشا و رسوا ساخته و بندهای وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به امپریالیزم را کسسته و نابود سازد، کارگزاران و عوامل سرسپرده امپریالیزم خون‌آشام مذبحخانه به تلاش افتاده‌اند که این مبارزه را از محتوای اصیل خود خالی ساخته و آن را از جهت درست خود منحرف نمایند. در این شرایط که امپریالیزم آمریکا این دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان به تجربه دریافته است که با استفاده از مهره‌های افشا شده‌ای چون چمران‌ها و فلاجی‌ها دیگر نمی‌تواند اهداف ضد خلقی خود را در ایران پیاده کند، دست به تاکتیک دیگری زده و در جهت منحرف کردن جنبشهای حق‌طلبانه خلقها از یکطرف و مخدوش نمودن امر مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقمان از طرف دیگر، از مهره‌های ظاهر فریبی چون آیت‌الله شریعتمداری، حزب جمهوری خلق مسلمان، شاهپوربختیار و حزب آنچنانی‌او "حزب ایران" وغیره و... استفاده می‌کند. این نوکران حلقه‌بگوش امپریالیزم در لباس آزادیخواهی و با شعارهای مردم فریب در واقع آب به آسیاب امپریالیزم می‌ریزند. در شرایط حساس کنونی که مبارزه ضد امپریالیستی مردم میهنمان ابعاد تازه‌ای یافته است حزب فرمایشی "جمهوری خلق مسلمان" تظاهرات و راهپیمائی‌های آنچنانی در تبریز به‌راه می‌اندازد و توده‌های ناآگاه را در خدمت تامین منافع اربابان امپریالیستش بکار می‌گیرد، و روزی دیگر شاهپور بختیار این دلال امپریالیزم آمریکا با همان خوانین و فئودالهایی که از طرف حاکمیت سیاسی در جهت به‌اصطلاح ایجاد نظم و امنیت در بلوچستان مسلح شده‌اند، در عمان می‌نشینند و راههای چگونگی ایجاد اغتشاش و برادرکشی را در بلوچستان جستجو می‌کند و با استفاده از عوامل خود در حزب معلوم‌الحال "اتحاد المسلمین" سعی در ایجاد شکاف در صفوف به‌هم

فشرده خلقهایمان دارد. دستویا زدنهای امپریالیزم آمریکا توسط مزدوران خود در ایران، معنی و مفهوم خاص خود را دارد. اکنون در یکی از مراحل حساس تاریخ مبارزات میهنمان قرار داریم، از یکطرف توطئه‌چینی‌ها و جنگ - افروزی‌های امپریالیزم آمریکا و ایادی داخلی آن و از طرف دیگر تزلزل و نا - پیگیری روحانیت قشری در پیشبرد امر مبارزه با امپریالیزم، در برابر مبارزه اوج‌یابنده ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ستمکش میهنمان همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه مسئولند که با تحلیل دقیق از شرایط متحول جامعه و با موضعگیری صحیح در مقابل جریانات و حوادث و در تماسی تنگاتنگ با مردم در اعتلا جنبش کوشیده و نگذارند که دشمنان خلق و دوستان امپریالیزم جنایتکار در صفوف مردم جای گرفته و با استفاده از ناآگاهی بخشی از توده‌ها و احساسات پاک آنان جنبش را از مسیر واقعی خود منحرف نمایند.

ناپود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال

«درود بر بزرگ، متحد کارگر»

دهقانان و زحمتکشان روستایی در بیشتر نقاط ایران و بخصوص در ترکمن صحرا دست در دست نیروهای انقلابی برای زمین و آزادی به مبارزه‌ای پیگیر برخاسته‌اند، مبارزه زحمتکشان و دهقانان روستائی برای تسلط بر زمینهایشان مبارزه‌ای بحق و عادلانه است که کارگران آگاه و شرافتمند باید به پشتیبانی از آن برخیزند. زحمتکشان و دهقانان ترکمن صحرا با تشکیل شوراهایی مردمی و واقعی و یکپارچه بدون سازش و عقب‌نشینی در مقابل ملاکین و زمینداران بزرگ قاطعانه در جهت تصاحب زمینها و کشت‌شورائی و جمعی آن و مبارزه با زمین‌داران بزرگ برخاسته‌اند. آنها بدون کوچکترین تردید بدون توجه به امتیازات و صدقات زمین‌داران بزرگ در جهت تصاحب زمینهای خویش بر آمده‌اند و در این مورد کوچکترین گذشتی نخواهند نمود. مبارزه زحمتکشان و دهقانان روستایی برای بازپس گرفتن زمینهایشان بهیچ وجه از مبارزات آنان برای کسب آزادی جدا نیست. کرایشات دموکراتیک زحمتکشان و دهقانان روستایی بصورت‌بازری در حرکات آنان نمودار است. آنان خواستار انتخاب همه ماموران و کسانی هستند که تصدی امور منطقه را بعهده گرفته‌اند. آنان می‌خواهند بجای مدیریت دولتی که در مقابل مردم مسئول و جوابده نیست شوراهای مردمی تشکیل گردد و مردم خود بر سرنویشت خویش مسلط باشند.

آزادی کامل و جایگزین کردن مالکیت جمعی و شورائی زحمتکشان و

دهقانان روستائی بر زمین به تنهایی قادر نخواهد بود، حکومت سرمایه و فقر توده‌ها را از بین برد. در واقع حتی بر روی زمینهای متعلق به روستائیان که اداره آنها بصورت شورائی انجام می‌پذیرد تنها با وجود سرمایه یعنی تنها با وجود حشم، ماشین‌آلات، ذخیره بذر، پول و غیره است که زحمتکشان قادر به کشت مستقل آن هستند.

زحمتکشان که چیزی جز دستهایشان برای کار کردن ندارند. ناگزیر نیازمند سرمایه‌داران خواهند بود. تا موقعی که سرمایه‌ها در اختیار مردم قرار نگیرد و نظام سرمایه‌داری از بین نرود زحمتکشان و دهقانان روستایی چگونه قادر خواهند بود که زمینهای بازپس گرفته شده خویش را به بهترین نحوی کاشت و برداشت نمایند، تا موقعی که شوراها روستایی، تا موقعی که روستائیان بی چیزی که با مبارزات پیگیر خویش زمینهایشان را بازپس گرفتند ماشین‌آلات کافی برای امور کشاورزی نداشته باشند بذر، کود، حشم و غیره نداشته باشند قادر نخواهند بود که زمین و آزادی را به معنی واقعی آن به دست آورند، تا آن زمان زحمتکشان روستائی همواره در بند سرمایه‌داران خواهند بود. پس کارگران آگاه و انقلابی این متحدین حقیقی زحمتکشان روستاها به شعار زمین و آزادی بسنده نمی‌کنند، آنان می‌گویند ما باید مبارزات خود را جهت برانداختن حکومت سرمایه گسترش دهیم، مبارزه برای آزادی در واقع یک مبارزه دموکراتیک است مبارزه برای برانداختن حکومت سرمایه‌مبارزه‌ای سوسیالیستی است، طبقه کارگر این طبقه تا آخر انقلاب پرچمدار مبارزات دموکراتیک و سوسیالیستی است. طبقه کارگر و نیروهای انقلابی وابسته به آن با شکیبایی و تداوم در حالی که به زحمتکشان روستایی همچون متحدینشان در مبارزه کبیر مشترک می‌نگرند برای آنان باید توضیح دهند که بدون رهایی از قید سرمایه‌داران، آزادی واقعی غیر ممکن است. زحمتکشان و دهقانان روستایی رهایی واقعی خویش را فقط در اتحاد با کارگران باید جستجو کنند، و طبقه کارگر با هوشیاری باید توجه داشته باشد که پیوندش با شریفترین و راسخ‌ترین دموکراتهای انقلابی هرگز او را نباید برآن

دارد که هدف بزرگ و پراهمیتش یعنی مبارزه بخاطر استقرار سوسیالیسم و برانداختن کامل حکومت سرمایه بخاطر رهایی همه زحمتکشان از قید هرگونه استثمار را به فراموشی سپارد.

کار برای کارگر
زمین برای برزگر

www.iran-archive.com

چگونگی فعالیت شورائی روستائیان ترکمن صحرا

ضروریات و زمینه‌های ایجاد شوراهای روستایی در ترکمن صحرا خلق ترکمن که بخاطر دلاوریهایش و بخاطر سلحشوری مدت نیم قرن در زیر شدیدترین فشارهای دیکتاتوری از ابتدایی‌ترین حقوق خویش محروم مانده بود و هرگونه ندای آزادی خواهی اش برای رهایی از ظلم و ستم غاصبین و زمینداران وابسته به دربار و عناصر و ایادی شاه خائن، به وحشیانه‌ترین صورت سرکوب می‌گردید. با قیام شکوهمند بهمن ماه به زندگی نوینی پای نهاد، زحمتگشان روستاها که به زور سرنیزه و با کشت و کشتار غاصبین و حامیان آنها یعنی ساواک، ارتش و ژاندارمری شاه خائن مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و تمامی زمین‌هایی را که زندگی محقرشان با آن پیوند خورده بود از دست داده بودند برای کار به شهرها روی آوردند و هرگونه فریاد حق‌طلبی آنان در گلویشان خفه‌گردید و زمینهای زراعی آنان و حتی گاه فرزندانشان به پیش کش به سرسپردگان رژیم بنفور پهلوی، ستاره بدوشان ضد خلق، رؤسای ادارات، استانداران، فرمانداران و خلاصه تمام نوکرصفهان و کاسه‌لیسان دربار شاه خائن تعلق یافت. مردمی آواره و دربند، توده‌های زحمتکشی که حتی حق اعتراض از آنها سلب شده بود و برای جلوگیری از هرگونه اتحاد و یکپارچگی در بین آنان از زبان و فرهنگشان نیز محروم گردیده بودند، از هر روستای ترکمن صحرا، از کوهپایه‌های جرگلان تا سواحل دریای خزر سیل طومار شکایات و دادخواهی مردم از جنایات زمینداران و غاصبین،

ر بی سر و صدای زحمتکشانی که در پی لقمه‌ای نان در بیغوله‌های روستاها بدون آب و راه، بدون پزشک و بهداشت، بدون مدرسه و حمام و بدون کوچکترین امکان زندگی فقط و فقط بخاطر قطعه‌زمینی که زندگیشان با آن پیوند خورده بود سکونت گزیده بودند به دادگستری شاه خائن سرازیر گردید ولی همانطور که قرار بود مسکوت ماند. تمام زمینهای منطقه به تصرف ادارهٔ املاک پهلوی در آمدند و مجدداً "به سوگلی‌های دربار بیاس‌خیانت‌های آنان به مردم شریف و زحمتکش ایران، به ستاره‌بدوشان و امیران خائن ارتش شاهنشاهی به پای کشتار بی‌رحمانه توده‌ها واگذار گردید، و بدون توجه به سرنوشت روستائیان زحمتکش آنان را مجبور به کوچ، کارگری روی زمینها و یا مزدوری در شهرها نمودند.

در سراسر تاریخ ایران کمتر خلقی را می‌توان سراغ داشت که به این صورت وحشیانه مورد یورش قرار گرفته و هستی خویش را از دست داده باشد. ترکمن صحرا و چهره‌های زحمتکش روستاها تاریخچه‌گویی از ظلم و تعدی بی‌شماری است که به این خلق ستم‌دیده اعمال شده است.

مردمی نجیب و زحمتکش، سلحشور و استوار که زیر بار شدیدترین و بی‌سروصداترین فشارهای دیکتاتوری آهسته‌آهسته آب می‌شدند و هستی می‌باختند. سرنگونی رژیم و قیام خلق تحت ستم ایران بندهای گران دست‌وپای زحمتکش ترکمن صحرا را کشود و آنان نیز با عزمی راسخ به قصد رهایی خویش همگام با انقلاب به پا خاستند. و به بازیس گرفتن زمینهای خویش که دیگر اربابان و غاصبین آن یا فرار کرده بودند یا معدوم شده بودند و یا موقتاً "به گوشه‌ای خزیده بودند متحدان" پرداختند، دیگر نظم گذشته در هم فروریخته بود. حال زمان آن رسیده بود که بجای زمینداران و سرمایه‌داران و مباشران آنها زحمتکش خود اداره زمینها را بعهده گیرند و بر هستی خویش مسلط شوند. مبارزه روستائیان بر علیه زمینداران بزرگ مبارزهای همگانی و جمعی بود، مبارزهای که زبان حال مشترک تمام زحمتکش روستاها بوده و کوچک، بزرگ و پیر و جوان را متحد و یکپارچه بمیدان می‌کشید، مبارزهای طبقاتی

که از طرف توده‌های تحت ستم بر علیه زمینداران بزرگ جریان می‌روستائیان بزودی برای اداره زمینهای خویش و برای برقراری نظم در امر کشت زمینها تعدادی از ریش‌سفیدان روستا را به نمایندگی انتخاب نمودند، ولی بلافاصله چون مبارزه آنها از تحرکی خاص برخوردار بود جای ریش-سفیدان و معتمدان روستا را جوانان انقلابی و پرشور و پرنرزی روستاها گرفته و به سازماندهی مبارزات روستائیان و منظم کردن امور مربوط به کشت و نگهداری و حفظ زمینها پرداختند، کم‌کم شوراها از دل مبارزات زحمتکشان بیرون آمد و کنترل و حفاظت زمینها و جلوگیری از توطئه‌های غاصبین و زمین‌داران بزرگ همچنین سازماندهی مبارزات توده‌های مردم را بعهده گرفت. این کاملاً "حرکتی خودبخودی بود که ضروریات جنبش توده‌های آنرا ایجاب کرده بود و در رابطه با پیوند روشنفکران انقلابی ترکمن صحرا با حرکات روستائیان تحت ستم گسترش و تکامل یافت، علاوه بر این سابقه کار جمعی و شورایی در فرهنگ خلق ترکمن نیز زمینه بسیار مناسبی در تکامل و گسترش شوراها و پذیرش کامل و بدون چون و چرای آن توسط زحمتکشان علیرغم دسائس مرتجعین و سرمایه‌داران گردید.

سابقه تاریخی فعالیت شورایی در ترکمن صحرا

فرهنگ غالب بر شیوه تولید دامداری در گذشته در میان خلق ترکمن آنچنان شرایطی ایجاد کرده بود که اساساً "کلیه امور و مسائل از طریق بزرگان طوایف که در مناطق مختلف ترکمن صحرا سکونت گزیده بودند حل و فصل می‌گردید. زندگی ایلپاتی و عشایری آنان در گذشته سلسله‌مراتبی خاص از بزرگان و ریش‌سفیدان طوایف به وجود آورده بود، که عملاً "کلیه" امور زندگی روزمره از زیر نظر آنان گذشته و تحت نظارت و مشورت آنها به اجرا در می‌آمده است، مجمع ریش سفیدان که در مواقع حساس تشکیل می‌گردید عرفاً "دارای اختیارات نام‌وتمام در زمینه" حل و فصل مسایل از اختلافات خانوادگی و طایفه‌ای گرفته تا نزاعها و درگیریهای عشیرتی بوده است. همواره در مواقعی

که مسایل با اهمیتی مطرح می‌گردید تصمیمات مجمع ریشسفیدان بدون چون و چرا از طرف همه به اجرا در می‌آمده است. تصمیمات مجمع ریشسفیدان تقریباً "جنبه شورایی داشته و همه افراد طایفه در جریان آن قرار می‌گرفته‌اند. خلق ترکمن به‌خاطر شیوه تولیدی گذشته‌اش و همچنین به‌خاطر فرهنگ مسلط روحیه‌ای جمعی داشته و زمینه بسیار مناسبی برای کار جمعی از خود بروز داده است و شوراها به‌عنوان نمایندگان آن‌ها مورد تأیید بوده و رهنمودها و طرح‌های شورا بطور کامل مورد پذیرش توده‌ها است و از حمایت آنان برخوردار است.

نحوه انتخاب اعضای شوراها و روستایی

به مرور که مبارزه زحمتکشان بر علیه زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران شکل گرفت شوراها نیز صورتی واقعی‌تر یافت و اعضای شوراها از بین فعال‌ترین و انقلابی‌ترین روستائیان انتخاب گردیدند. زحمتکشان روستاها در اجتماعی مرکب از تمام اهالی روستا و شور و مشورت با یکدیگر در انتخاباتی آزاد و واقعی نمایندگان شوراها را که معمولاً "بین ۵ تا ۷ نفر می‌باشد انتخاب می‌نمایند و حدود اختیارات و وظایف آنها را یادآوری می‌کنند. مدت عضویت نمایندگان منتخب مردم در شوراها بستگی به رضایت آنان از وی داشته و در هر لحظه‌ای که مردم اراده نمایند، نمایندگان جدیدی را جایگزین نمایندگان غیر فعال شورا خواهند کرد. اعضای شورا با اطلاع و آگاهی از خواست مردم در ارتباط با آنان و با مشورت با آنان به پیش‌برد اهداف مشخص روستائیان در جهت احقاق حقوقشان و سمت‌دادن به مبارزات آنها در رابطه با ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا می‌پردازد.

وظایف شوراها و روستایی

وظایف عمده شوراها و روستایی مدیریت در کشت زمینهای روستاهاست. در واقع هم‌اکنون در ترکمن صحرا کلیه زمینهای زراعی بازپس گرفته شده از

غاصبین و زمینداران بزرگ در محدوده هر روستا به تمامی زحمتکشان آن روستا تعلق داشته و اداره آن به دست شوراها سپرده شده است. سازماندهی تولید و چگونگی تشکیل گروههای کار از بین روستائیان برای کار در زمینهای مختلف به عهده شورا قرار دارد. معمولا بجز محدوده‌های از زمینهای روستا که به کشت گندم اختصاص می‌یابد و همه زحمتکشان مشترکا " به کار روی آن می‌پردازند بقیه زمینهایی که محصولات دیگری در آنها کشت می‌شود توسط شورا به افراد علاقمند به کار در آن با قرعه‌کشی برای یک‌دوره کشت تعلق می‌گیرد و کلیه هزینه‌های آن از طرف صندوق شورا که متعلق به اهالی روستا است تأمین گردیده و موقع برداشت محصول توسط گروهی که روی آن کار کرده‌اند هزینه‌ها مجدداً به صندوق شورا واریز می‌شود. علاوه بر این روابط و ارتباطات روستاها حل و فصل خرده اختلافات روستائیان باهم، تهیه امکانات کشت و برداشت محصول و در واقع نظارت بر تولید و تنظیم نحوه توزیع آن به عهده شوراهاست. همچنین سهم صندوق شورا از درآمد حاصله با نظر اهالی به توسط شورا انجام می‌پذیرد. در واقع کلیه امور اقتصادی روستا و ارتباطات آن با ارگانهای دولتی مناطق مختلف، رسیدگی به وضع روستا و مسائل خصوصی و عمومی مردم همگی به عهده شوراها است. شوراهای روستایی نمایندگان تام‌الاختیار است. و هر اتحادیه براساس فواصل روستاها و ضوابط جغرافیایی از ۷ تا ۱۴ روستا را در برمی‌گیرد. اعضای اتحادیه روستایی هر منطقه از یک نماینده معرفی شده از طرف هر یک از شوراهای روستایی آن منطقه تشکیل می‌شود و هفته‌ای یکبار جلسه اتحادیه در یکی از روستاهای عضو اتحادیه تشکیل و به بررسی مسائل منطقه خود می‌پردازد. و تصمیمات لازم را براساس رهنمودهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هماهنگ با سایر مناطق و روستاهای ترکمن صحرا اتخاذ و در جهت انجام آن بین شوراها تقسیم کار می‌کنند.

"وظایف و مسئولیت‌های اتحادیه‌های روستایی"

اتحادیه روستایی ارگانیست که جهت هماهنگی کار شوراهای روستایی و نتیجتاً ایجاد سازماندهی جمعی برای پیشبرد امور مختلف روستاها به وجود آمده است. اتحادیه‌های روستایی وحدت و یکپارچگی زحمتکشان را برای مبارزه‌ای هماهنگ و متشکل در جهت منافع طبقاتی و ملی آنان به پیش می‌راند. اتحادیه‌های روستایی با جمع‌آوری کلیه ماشین‌آلات و سایر ابزار و وسایل تولید از روستاهای تابعه خود، امکان استفاده از همه امکانات چندین روستا را در اختیار تکتک شوراهای عضو قرار می‌دهد. همچنین ماشین‌آلات مصادره شده از غاصبین و زمین‌داران بزرگ در اختیار اتحادیه قرار داشته و هر یک از شوراهای عضو براساس ساعت کاربرد ماشین‌آلات، سهم خویش را در تعمیرات و هزینه‌های سوخت آنها به اتحادیه پرداخت می‌نمایند.

تشکل شوراها در اتحادیه پیشبرد بسیاری از امور روستاها را تسریع کرده و از پراکنده‌کاری آنان جلوگیری می‌کند. در امر کشت و همچنین مقابله با زمین‌داران بزرگ نیروی جمعی گسترده‌ای را متشکل می‌سازد و گراشات جمعی را در روستائیان تقویت می‌کند و اختلافات جزئی بین روستاها را که در گذشته بطور غیر اصولی تشدید می‌شد برطرف می‌سازد. اتحادیه‌های روستایی سازماندهی مناسبی برای استفاده از نیروی توده‌ها در پیشبرد امر آنان است. اتحادیه‌های روستایی ارگانی مردمی است که به کلیه امور محدوده روستاهای عضو اتحادیه رسیدگی کرده و در ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با مردم و با همفکری با آنان به پیشبرد مسائل و خواسته‌های آنان و مبارزاتشان می‌پردازد. جلسات هفتگی اتحادیه‌ها مسائل سیاسی و اوضاع مملکت را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و سیاستهای حاکمیت را در رابطه با مسائل ارضی با کمک و همفکری سناد مرکزی شوراها برای اعضای خود می‌شکافد، مسئولیتی که از طرف سناد مرکزی در جلسات اتحادیه‌ها شرکت می‌کنند به ارزیابی و بررسی کار اتحادیه،

دادن رهنمود به آنها، و آگاه کردن آنان نسبت به وظایف، مسئولیتها و مسائل سیاسی روز پرداخته و در ارتباط نزدیک با اعضای اتحادیه مسائل روستاهای عضو اتحادیه را بررسی می نمایند.

"اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا"

ترکمن صحرا منطقه بسیار وسیعی است که از بندر ترکمن در کرانه‌های دریای خزر تا کوه‌های جرگلان در حوالی بجنورد امتداد یافته است، خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن به همراه زحمتکشان دیگر خلقها در روستاهای پراکنده این سرزمین وسیع عمدتاً به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. زمین‌های کشاورزی حاصلخیز این منطقه عموماً در ابعادی بزرگ به مالکیت زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته درآمده و این غاصبین در کل منطقه ترکمن صحرا پراکنده بوده و در رابطه با رشد مبارزات زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا در جهت تشکل ضد انقلابی خویش با همکاری با مرتجعین محلی و بعضی از عناصر دولتی و زاندارمری منطقه اقدامات فراوانی نموده‌اند، پیشبرد مبارزات توده‌های روستایی در جهت بیرون راندن و کوتاه کردن دست آنان از زندگی زحمتکشان ضرورت تشکل یکپارچه تمامی زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا را ایجاب می نمود. برای اتخاذ سیاستی واحد و عملکرد یکسان و همه‌جانبه در کل منطقه وسیع ترکمن صحرا همچنین تصمیم‌گیری جمعی‌تر و تعیین خط مشی برای پیشبرد و حل و فصل مسائل مربوط به کشت و داشت و برداشت محصول و تأمین احتیاجات در سطحی بالاتر نیاز به ارگانی هماهنگ کننده از خود توده‌ها را الزامی ساخته بود، روی این اصل اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا شکل گرفت و به ارگانی متکی به توده‌ها و متجلی از درون مبارزات توده‌ها آشنا به مسائل و مصائب، درگیر با

مبارزات روزمره آنان تبدیل گردید .

"وظایف و مسئولیت‌های اتحادیه سراسری"

روستایی ترکمن صحرا

اتحادیه سراسری متشکل از نمایندگان اتحادیه‌های روستایی مناطق مختلف ترکمن صحرا است. از هر اتحادیه روستایی که خود از نمایندگان شوراهای روستایی تابعه تشکیل گردیده ۲ نماینده برای اتحادیه سراسری انتخاب شده و نمایندگان مزبور اعضای اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا را تشکیل می‌دهند. اتحادیه سراسری هفته‌ای یکبار در محل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تشکیل جلسه داده و نمایندگان هر اتحادیه به طرح و گزارش مسائل منطقه خود می‌پردازند و شمه‌ای از کارها و فعالیت‌شان را به اتحادیه سراسری گزارش می‌کنند، در این جلسات زحمتکشان خود با مسائل و مشکلات برخورد کرده و به حل و فصل مسائل با همکاری و توجه به رهنمودهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که توسط مسئولین کمیته روستایی ستاد در جلسات اتحادیه سراسری شرکت می‌نمایند، می‌پردازند اتحادیه سراسری سیاست و چگونگی برخورد حاکمیت و ارگانهای دولتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و براساس جمع‌بندی مسائل خط مشی و اصولی‌ترین شیوه مبارزه روستائیان را تعیین می‌نماید، همچنین از طرف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مسائل سیاسی در قسمتی از جلسات اتحادیه سراسری به بحث گذارده می‌شود. و در واقع در جلسات چندین ساعته اتحادیه سراسری به گزارش‌دهی مسائل اتحادیه توسط اعضاء بررسی مسائل ارضی منطقه براساس گزارشات، تعیین خط‌مشی سیاسی در هفته بعد و چگونگی پیشبرد امور روستاها، همچنین طرح و بحث مسائل سیاسی عمده برای اعضای اتحادیه سراسری جهت آشنایی آنان و انتقال آن به اتحادیه‌های روستایی مناطق مختلف پرداخته می‌شود. علاوه بر این در جلسات اتحادیه سراسری روستایی بنا به ضرورت و پیشنهادات

اعضای آن در برابر مقامات دولتی و ارگانهای مختلف حاکمیت موضع‌گیری سیاسی با نام اتحادیه انجام پذیرفته و اعلام همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان سایر نقاط نیز می‌شود.

اتحادیه سراسری طرف مذاکره با ارگانهای دولتی برای پیشبرد خواست روستائیان در زمینه‌های مختلف بوده، و بیشتر اوقات نمایندگان اتحادیه این مسائل را تعقیب و نتیجه آن را از طریق اتحادیه‌های روستایی و شوراهای روستایی به زحمتکشان گزارش می‌نمایند. تاکنون اتحادیه سراسری جهت افشای عناصر ضد مردمی و ضد انقلابی و سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ اعلامیه‌هایی انتشار داده است. همچنین خبرنامه ترکمن صحرا که نشریه هنکی اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا است با همکاری نزدیک اعضای اتحادیه‌های روستایی انتشار می‌یابد و به طرح مسائل و اخبار مناطق آنان می‌پردازد. مسائل مطروحه در جلسات اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا معمولاً در خبرنامه ترکمن صحرا برای اطلاع و آگاهی هرچه بیشتر زحمتکشان روستاها از مسائل مطروحه در جلسات و تصمیم‌گیریها انعکاس می‌یابد و خلاصه‌ای از مسائل گزارش می‌شود.

گردهم‌آیی شوراهای روستایی ترکمن صحرا

تا قبل از ایجاد اتحادیه سراسری روستایی با ابتکار و بنا به دعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا جلساتی در گنبد متشکل از نمایندگان کلیه شوراهای روستایی تشکیل می‌گردید، غرض از گردهم‌آیی شوراها بطور عمده طرح سریع مسائل ضروری مطروحه در منطقه در شرایط خاص و در مواقع بحرانی بوده و برای قرارگرفتن توده‌های روستایی در جریان امور و مسائل برپای می‌گردید در شرایط و اوضاع و احوالی که مردم چه در رابطه با مسائل ارضی و اقتصادی و چه در رابطه با مسائل سیاسی حاد همچنین در رابطه با مشکلات و موانعی که مرتجعین سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها بر سر راه پیشبرد مسائل توده‌ها برای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فراهم نمایند،

ضرورت تشکیل گردهم‌آیی شوراهای و انتقال مسائل به آنان و همچنین بردن مسائل به درون زحمتکشان از طریق شوراهای روستایی امری ضروری و موفقیت‌آمیز بوده است. تاکنون در طی فعالیت یازده ماهه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ۹ گردهمایی تشکیل گردید. که گزارشات چگونگی آن و مسائل مطروحه در آن به موقع خود انتشار یافته است. (گزارش نهمین گردهمایی در-خبر نامه ترکمن صحرا شماره ۵ انعکاس یافته است). از زمان تشکیل اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا ارتباط با توده‌های روستایی بطوری اصولی سازمان یافته و به صورت همیشگی درآمده است و از جانب دیگر امکان تماس گسترده با توده‌های وسیعتری که تاکنون به دلیل گستردگی منطقه، پیچیدگی مسائل و تراکم بیش از اندازه کار، ستاد مرکزی از عهده آن به صورت دلخواه بر نمی‌آمد، فراهم گردید. از این به بعد علاوه بر وظایف گذشته گردهم‌آیی این شوراهای روستایی به جلسه مشورتی گسترده‌ای برای بررسی کار اتحادیه سراسری و ستاد مرکزی شوراهای دادن پیشنهادات و طرح مشکلات و مسائل و تصمیم‌گیری کلی و همه‌جانبه در مورد آن، همچنین بررسی و طرح مسائل سیاسی تبدیل گردیده و تقریباً " هر ماه یکبار تشکیل می‌شود.

" کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن "

هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات خلقهای سراسر ایران روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا نیز در جهت به حرکت درآوردن توده‌ها و زحمتکشان روستاها و مبارزین شهرها گامهایی برداشتند، تشکلهای و گروههایی از مبارزین ترکمن صحرا که عمدتاً در شهر گنبد به صورت متفرق و جدا از هم به فعالیتهای تبلیغی مشغول بوده، و تماسهایی نیز با روستائیان داشتند، بنا به احساس ضرورت در جهت ایجاد مراکزی که مبارزات توده‌ها را شکل داده و هماهنگ و هم‌جهت با مبارزات کارگران و زحمتکشان سایر نقاط ایران به پیش برد متشکل‌تر شده و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را ایجاد نمودند، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که حدوداً " هم‌زمان با قیام شکل گرفته است عمدتاً " به فعالیتهای

فرهنگی، تشکیل نمایشگاه‌های مختلف نمایش فیلم و اشاعه فرهنگ خلق ترکمن در شهرها و روستاهای منطقه و در زمینه سیاسی در ارتباط نزدیک با توده‌های روستایی و مردم شهرنشین به تشکیل اجتماعات، موضع‌گیری سیاسی، دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن و پی‌گیری خواسته‌های دموکراتیک خلق ترکمن پرداخته است. در طی حدود یک سال فعالیت، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به دلیل اتخاذ مواضع مردمی و اعلام و دفاع از خواست خلق ترکمن، بخصوص زحمتکشان روستاها، به‌عنوان ارگانی توده‌ای و نماینده واقعی خلق ترکمن در بیان خواسته‌های دموکراتیک آنان درآمده است. کانون فرهنگی و سیاسی شعبه‌هایی در کلیه شهرهای منطقه ترکمن صحرا همچنین در بعضی از مراکز بخش در روستاها ایجاد کرده و در ارتباط گسترده‌ای با مردم به اشاعه فرهنگ خلق ترکمن، گسترش آگاهی سیاسی توده‌ها، آشنا کردن آنان به حقوقشان و همچنین ایجاد اتحاد و یکپارچگی بین خلق ترکمن و سایر خلقهای تحت ستم ایران پرداخته است. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در شناساندن فرهنگ و ادب خلق ترکمن به سایر خلقهای کشورمان نیز گامهایی برداشته و نشریاتی ماهانه به زبانهای ترکمنی و فارسی (تشریه ایل گوچی - قدرت خلق) در این رابطه انتشار می‌دهد. همچنین کمیته هنری و فولکلوریک کانون فرهنگی و سیاسی نیز در رابطه با کانون فرهنگی و سیاسی در جهت اهداف فرهنگی آن به فعالیتی همه‌جانبه مشغول است، کمیته هنری و فولکلوریک کانون به بررسی و مطالعه زندگی زحمتکشان روستاها، جمع‌آوری سنن و آداب و رسوم آنان و ایجاد زمینه مناسب برای نزدیکی هرچه بیشتر به توده‌ها، آشنایی با مسائل و مشکلات آنها و حرکت اصولی در جهت حل آنها برای سایر ارگانهای خلق ترکمن فراهم می‌سازد.

" ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا "

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا همراه با اوج‌گیری جنبش روستایی در ترکمن صحرا شکل گرفت. بعد از قیام بهمن ماه زحمتکشان روستاهای ترکمن -

صحرا روستا به روستا به صورت متفرق و جدا از هم ولی کاملاً خودانگیز به تصاحب زمینهای خویش پرداختند. آنان یکدل و یکصدا خود به احقاق حقوق ازدست‌رفته خویش پرداختند و متحداً " برای اداره زمینهایشان شوراهای روستایی را به وجود آوردند، مبارزات زحمتکشان در بهمن و اسفند ماه سال ۵۷ بصورت گسترده‌ای آغاز گردید و عناصر آگاه و نیروهای انقلابی ترکمن صحرا برای متشکل کردن و هم‌جهت کردن مبارزات زحمتکشان، برای پیشبرد هماهنگ مبارزات آنها که به صورت نطفه‌ای آغاز گردیده بود در صدد ایجاد هماهنگی برای شوراهای روستایی و اشاعه مبارزه به سرتاسر روستاهای ترکمن - صحرا که مبارزه در آنها هنوز شکل نگرفته بود پرداختند. روستائیان که مبارزاتشان به دلیل فشار طاقت‌فرسای مزدوران رژیم گذشته بمانند آتشی زیر خاکستر باقی مانده بود، با سرنگونی رژیم به صورت خودبخودی و منفرد بروز کرد. زمین‌داران بزرگ غاصبین وحشت‌زده به توطئه‌چینی پرداخته و برای سرکوب مبارزات زحمتکشان که هنوز سازمان نیافته بود، اقدام نمودند و حاکمیت جدید نیز همگام و هم‌آهنگ با آنان در خلاف جهت منافع خلق ترکمن گام برداشته و بدون کوچکترین توجهی به منافع مردم این منطقه وحشیانه به سرکوب و دسیسه‌پرداخت و مجریان دولتی در منطقه موضعی ضد مردمی در مقابل حقوق مردم گرفته و همواره به‌عناوین مختلف به کارشکنی، ایجاد تفرقه و همگامی با زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران منطقه پرداختند.

در چنین اوضاع و احوالی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در اسفند ماه ۱۳۵۷ با هدف هماهنگ کردن مبارزات خودبخودی توده‌ها ارتقا و گسترش آن در سطح منطقه و دفاع بدون چون و چرا از منافع زحمتکشان شکل گرفت. مبارزات خلق ترکمن از ابتدای آغاز آن جنبه طبقاتی داشته و از زمان سرکوب رژیم جدید در فروردین ماه و جنگ تحمیلی گنبد گرایشات ملی نیز ابعاد جدیدی یافت و به‌صورتی غیر غالب در مبارزات زحمتکشان جای خود را هرچه بیشتر باز نمود.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که ضرورت وجود آن در مبارزات

توده‌هاست وظیفه اساسی خویش را در ارتقا مبارزات زحمتکشان و سمت‌دادن حرکات توده‌های روستایی برای تشکل هرچه بیشتر، دادن آگاهی و پیشبرد مبارزات آنان در ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با آنان قرار داده است، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در واقع از نمایندگان شوراها و اتحادیه‌های روستایی و عناصر آگاه ترکمن صحرا تشکیل گردیده و به لحاظ اتحاد زحمتکشان و نیروهای آگاه یکی از موفق‌ترین ارگانهای توده‌ای در منطقه است، ستاد مرکزی از زمان تشکیل تاکنون همواره وظیفه انعکاس مسائل و خواسته‌های روستائیان را به عهده داشته و بیانگر مسائل آنان بوده و در طول یازده ماه مبارزه برای احقاق حقوق زحمتکشان همواره گام به گام با شیوه‌های اصولی و انقلابی مبارات آنها را پیش رانده و سازمان داده است.

ستاد مرکزی در جهت تحقق شعار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند سمت‌گیری نموده و در جهت شعار "زمین متعلق به تمام روستائیان و اداره بدست شوراها" و همچنین در رابطه با مسائل ملی و دمکراتیک هدف خودمختاری ترکمن صحرا به دست شوراهای مردمی را در این مقطع تعقیب می‌نماید.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

گزارشی از روستا

شناسنامه روستا :

۱- نام روستا : قره‌سو (بایجق تاتار)

۲- تعداد خانوار: ۶۲ خانوار ترکمن - ۲۰ خانوار زابلی - ۱۰ خانوار بلوچ.

۳- جمعیت روستا: ۴۶۰ نفر ترکمن - ۸۰ نفر زابلی - ۴۵ نفر بلوچ.

۴- وضع راه: ۷ کیلومتر آسفالته - ۳۰۰ متر فرعی شنی.

۵- فاصله تا گنبد: ۷ کیلومتر و ۳۰۰ متر

۶- مدرسه: دارد.

۷- حمام: ندارد.

۸- آب لوله‌کشی: ندارد.

۹- برق: دارد.

۱۰- درمانگاه و مرکز بهداشت: ندارد.

۱۱- محصولات: گندم - پنبه - جالیز - آلو - گوجه.

روستای قره‌سو در جنوب گنبد و در فاصله ۷ کیلومتری آن قرار دارد.

جاده آسفالته به طول تقریباً ۷ کیلومتر از نزدیکی آن می‌گذرد و روستا به

وسیله یک جاده فرعی ۳۰۰ متری به راه اصلی وصل می‌شود.

تعداد خانوار روستا ۵۸۵ نفر است که ۴۶۰ نفر آن ترکمن و ۸۰ نفر آن

زابلی و ۴۵ نفر آن بلوچ می‌باشند. تعداد خانوار ترکمن ۶۲ و زابلی ۲۰ و

بلوچ ۱۰ می‌باشد، که خانوارهای غیر ترکمن در سازمان‌های کشاورزی اطراف

روستا سکنی دارند .

روستا آب لوله‌کشی ندارد و آب مصرفی روستائیان از چاه آب عمیق و آب باران تأمین می‌شود . در روستا حمام وجود ندارد .

این روستا نیز مانند اکثر روستاهای میهنمان درمانگاه و مرکز بهداشتی و پزشک و بهیار ندارد . نوع بیماری رایج در روستا اسهال است . روستا ۳ نفر معتاد زن و ۱۳ نفر مرد معتاد دارد ، که نوع اعتیاد آنها تریاک می‌باشد . مدرسه روستا که ۱۸ سال پیش ساخته شده ۶ اتاق دارد که ۵ اتاق آن کلاس درس می‌باشد . مدرسه ۸۰ نفر دانش‌آموز و ۵ نفر معلم و یک نفر مستخدم دارد ، سطح کلاس تا ۵ ابتدایی می‌باشد . نصف هزینه ساختمان مدرسه به عهده روستائیان و نصف آن به عهده دولت بوده است . ۱۵ نفر از جوانان روستا در سطح راهنمایی (ترکمن و بلوچ و زابلی) و ۱۰ نفر در دبیرستان‌های کنگد مشغول تحصیل می‌باشد .

سه سال پیش به روستا برق کشیده شده است که تمام هزینه آن را خود روستائیان پرداخته‌اند . جشنهایی که در روستا برگزار می‌شوند ، جشنهای عروسی ، ختنه‌سورانی و نیز اعیاد مذهبی (عید قربان - عید فطر) می‌باشد . کارهای صنعتی و هنری دستی روستائیان عبارت است از : قالی‌بافی (انواع مختلف) گلیم‌بافی ، نم‌بافی . ۴۰ خانوار روستایی قالی‌بافی می‌کنند که به وسیله دختران و زنان (از ۱۲ سالگی تا پیری) با ۱۵ - ۱۸ ساعت کار در شبانه‌روزی بافته می‌شود . کار قالی‌بافی فقط در اعیاد مذهبی تعطیل می‌شود . مواد اولیه قالی از شهر و مقداری نیز از خود روستا تهیه می‌شود . مواد اولیه را خودشان خریده و قالی بافته شده را بوسیله دست و شانه و ماسوره در خانه تهیه می‌کنند .

در روستا سه دکان وجود دارد . اکثراً خریدهای روستا از شهر انجام می‌شود . تعداد دامهای روستا عبارت است از : گوسفند ۷۰۰ ، گاو ۵۰ و الاغ ۰۴ . در روستا ۴ نفر شغل چوپانی دارند که دامها را برای چرا به مراتع عمومی ۶ هکتاری می‌برند و شب رجعت می‌باشد که در خود روستا به مصرف

می‌رسد. مساحت تقریبی زمینهای زیر کشت روستا مقدار آبی ۲۲۰ هکتار که در دست زمین‌خواران بوده‌است و مقدار دیم ۶۰ هکتار که در دست اهالی روستا بوده است.

آب آبیاری از دو چاه عمیق و ۶ چاه بتونی تأمین می‌شود و در سال ۲۴۰ روز کشاورزی وجود دارد. محصولاتی که در روستا کشت می‌شوند عبارت است از: گندم - پنبه - جالیز - آلو - کوجه می‌باشد. ۱۵ هکتار زمین روستا (متعلق به ۳ خانوار) با کارگر روزمزد و ۳۰ هکتار (متعلق به ۱۰ خانوار) به وسیله مالکینشان کشت می‌شود. از تراکتور برای کشت هر هکتار ۲۰۰ تومان می‌باشد. در روستا سلف‌خوری وجود دارد. که بیشتر بوسیله دکانداران شهری سلف‌خوری شده‌است. محصولاتی مانند پنبه هر بوط ۴۵ تومان (سال ۵۷) سلف‌خوری شده‌است. در کشاورزی "نصفه‌کاری - سه‌یک‌کاری" می‌شده است که در "نصفه‌کاری" زمین از مالک و شخم و بذر و کار از کارگر کشاورزی و در "یک - سه‌کاری" زمین و شخم و بذر از ارباب و کار از کارگر کشاورزی بوده‌است. اکثر زمینهای روستا را زمین‌خواران مانند "صالحی - جعفریای - میلانی با حمایت زاندارمری به زور سرنیزه غصب کرده‌اند.

شورای روستایی دارای ۶ عضو می‌باشد که اکثراً "جوان می‌باشند. تمام زمین‌های غصبی که حدود ۲۵۰ هکتار می‌باشد با همکاری اهالی روستا به توسط شورای روستایی باز پس گرفته شده است و ۶۵ هکتار آن زیر کشت پنبه رفته است. ۲۰٪ محصولی که توسط شوراها به نفع روستا در سال ۵۸ گرفته شد به مصرف راه‌های داخلی روستا و شخم و بذر افشانی امسال رسیده‌است. فعالیت‌های شورا شرکت در کشت و شخم زمین‌های شورایی دیگر روستاها و ایجاد کتابخانه موقتی می‌باشد که فعلاً سیار است. ۱۵ نفر از جوانان روستا پیشگام و ۲۰ نفر روشنفکر می‌باشد که خیلی به حقوق سیاسی و ملی خویش علاقه‌مندند و برای بازپس گرفتن زمین‌های غصبی از زمین‌خواران در روستا پیشگام بوده‌اند اکثر روستائیان با ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا همکاری نزدیک دارند در مواقع بیکاری (تایستانها) تقریباً ۶۰ نفر از اهالی برای

کار به شهر گنبد می‌روند که کارشان بیشتر بنایی است .

دست غاصبین و زمینداران بزرگ
از زندگی روستائیان کوتاه باید گردد.

www.iran-archive.com

تاریخ خلق ترکمن (۲)

بعدها نام‌گذاری ترکمن فقط به اوغوزها اطلاق می‌شد آنچنانکه کاملاً " جانشین نام اوغوز که برای قومی بکار برده می‌شد، گشت. کلمه اوغوز زمانی بکار می‌رفت که قوم اوغوز در مغولستان بسر می‌برد، کلمه ترکمن نخستین بار در غرب ظاهر می‌شود. حتی پیش از آنکه در ادبیات اسلامی به‌کار رود برای چینیه‌ها فقط به عنوان نام سرزمین در غرب دور آشنا بوده است. از زمان نخستین مسافران چینی به غرب (قرن دوم قبل از میلاد) چینیه‌ها از طریق شایعات سرزمین ((یانگ‌تسامی)) که بعداً " ((ا. لانگ، یا)) یعنی سرزمین آئورسی یا آلانها قومی چادرنشین با نیاکان ایرانی نیز نامیده‌شد، می‌شناختند. یونانیان با آئورسی و آلانها در مصبدون و دریای خزر آشنا بودند. معلومات چینیه‌ها در باب آنان احتمالاً به ناحیه‌ای از دریای آرال که آنها در جهانگردی‌ها و آوارگیهایشان حتی در آن روزگار می‌توانسته‌اند به آنجا برسند مربوط می‌شود. در زمان‌های بعد هیچ آلانی در شرق و لگا زندگی نمی‌کرد، هونها پیش از اینکه به آنها حمله کنند، مجبور بودند این رود را قطع کنند. در سال ۳۷۴ میلادی، در همان زمان چینیه‌ها بانام دیگری برای همان سرزمین آئورسی یا آلانها سو - یاسو - ده آشنا بودند که طبق نظر هیرث، چین‌شناس این نام کلمه سگداق یا سرگداق است. این نامی است که ترکها به سرزمین سغدیها در زرافشان دادند، مردمی که اهمیت بزرگی در تاریخ بازرگانی کاروانهای آسیای مرکزی داشتند و تعدادی مکانهای تجارتی

در مسیر راهی که از سرزمین خودشان به چین می‌رفت، ساختند. این حقیقت که کلمه سوقداق، به‌عنوان یک نام‌گذاری جغرافیایی و بعلاوه شاید نژادی در سرزمین آنها نیز به‌کار برده می‌شد، با هستی امروزه منطقه سوراق، اصولاً سوقداق در ساحل جنوبی کریمه تأیید می‌شود. در دائره‌المعارف چینی تئوئنگ تیئن متعلق به قرن هشتم میلادی گفته شده است که سرزمین سو-ی یا سو-ده که در قرن پنجم میلادی روابط تجارتنی و سیاسی با چین داشت، توکومونگ نیز نامیده می‌شد. این امر هیرث را بر آن داشت که ترکمنها اخلاف آلانهای مغلوب شده توسط مغولها هستند و اینکه اثبات این حقیقت به روشن شدن شجره ترکمنها کمک خواهد کرد، می‌کشاند. در زمان‌های جدید "اختلاط قبائل چادرنشین دراز-سر ایرانی" در تشریح مختصات ویژه سنخ ترکمن سردرازی به‌کار برده شده است. آریستوف قبلاً "در ۱۸۹۶ این‌گونه فکر می‌کرد و در حال حاضر ل. و. اشانین تحقیق انسان‌شناسانه را در این جهت هدایت می‌کند. در قرن یازدهم میلادی خود ترکها اطلاع بیشتری در محدد مبدا و اسم ترکمنها نداشتند فقط یک ریشه‌شناسی کلمات آشکارا مصنوعی وجود داشته که البته در اثبات حتی آن موقع ترکمنها با هیات ظاهریشان از سایر ترکمنها متفاوت بودند، می‌گوشیدند. نخستین بیان از این ریشه‌شناسی کلمات در کاشغری (۱) یافت می‌شود. گاه و افسانه‌ای را که مانند سایر داستانهای محلی آسیای مرکزی به نام اسکندر مقدونی مربوط است نقل می‌کند. بعد از تسخیر سمرقند اسکندر به مقابله شاه ترکی که در ناحیه‌ای که بعدها شهرک "بالاج" در آنجا قد علم کرد یعنی در دره رودخانه "چو" بصرمی بردرفت. شاه ترک با غلم به اینکه اسکندر از سیر دریا (۲) گذشته است. ارتش خود و همراه آن تمامی آن عده از پیروانش را که دارای چهارپایان بارکش بودند به شرق فرستاد (۳). بیست و دومرد را به اتفاق

(۱) - منظور دیوان لغات ترک محمود کاشغری است.

(۲) - رودخانه سیحون.

(۳) - ظاهراً بعد از کلمه "فرستاد" و قبل از کلمه "بیست و دومرد" باید جمله‌ای باشد که در متن افتاده است.

خانواده‌هایشان و در حالی که اموال خود را بر پشت گذاشته بودند، در تعقیب نشانه‌های لشکریان دیدند. هر دو مرد کاملاً" تحلیل رفته بودند. به محض برخورد با بیست و دومرد آنان در مورد اینکه چکاری انجام دهند راهنمایی خواستند، به آنها گفته شد که در همانجایی که هستند بمانند چونکه اسکندر هرگز در یک محل باقی نمی ماند، همیشه در حرکت است و اکنون که او رفته بود، در عقب ماندن برای آنان امنیت کامل فراهم می کرد، این پند با کلمات ترکی " قال آج" که معانی منتظر باش، بمان و بردباری خود را افزایش ده را در بردارد بیان شد. بدان ترتیب است خلع، بخش شده به دوشاخه، پا به عالم هستی گذاشت. هنگامی که اسکندر مراجعت کرد و این مردان را دید متوجه نشانه‌های اصلیت ترکی آنان و بعلاوه داغهای ترکی که بر رمه‌هایشان زده بودند شد و به فارسی گفت " ترک مانند" (آنان شبیه ترکها هستند) بنابراین نام ترکمن وابسته فرزندان آنها شد. بالفعل بیست و دو قبیله که نام‌های آنها توسط محمود کاشغری بر شمرده شد بجای ماندند. آنچه که در این داستان مخصوصاً نامناسب به نظر می رسد ریشه‌شناسی کلمه قال آج یا خلع است. ریشه ترکی آج از زمان‌هایی که شناخته شده، معنایی را که در اینجا به آن استناد شده نداشته است. دو معنی دیگر واژه آج (آج) معلوم می باشد که بر حسب آنها دو افسانه کلمه‌شناسانه دیگر بر معلومات ما از اوغوزخان، نیای اسطوره اوغوزها افزوده می شود یکی از اینها در یک قطعه بی امضاء در دست نوشته‌های به خط اویغور دیگر در رشیدالدین ذکر شده است. مطابق شرح اول اوغوزخان در راه خود خانه‌ای با سقفی طلائی، پنجره‌های نقره‌ای و دری بسته بدون قفل دید، او یکی از ملازمان خود را با این دستور: بمان، بازکن (آن را) در آنجا گذاشت. به روایت رشیدالدین اوغوزخان در راه بازگشت خود از اصفهان از مردی که بدلائیل خانوادگی عقب مانده بود خشمگین شده و به او گفت " غال آج (بمان گرسنه) نه رشیدالدین و نه سایر مولفین، خلع‌ها را به اوغوزها مربوط نمی کند و رشیدالدین در شمارش خود از بیست و چهار قبیله اوغوز، خلعها را مشمول نمی کند. به نقل جغرافی دانان

عرب، خلجها خیلی زودتر از آمودریا گذشته و قبلا در قرن دهم مدتی طولانی در قسمت جنوبی افغانستان زندگی کرده بودند، بعدا پاره‌ای از خلجهای مهاجر به ایران به لهجهای ایرانی صحبت می‌کردند در حالی که گفتار دیگران ترکمنی بود بدان ترتیب آنها به ناحیه‌ای در شرق تهران و شمال ساوه نام خلجستان دادند، از زمان‌های دور شناخته شده خلجها فقط در غرب ذکر شده‌اند، حال آن‌که نام اوغوزها اغلب در نوشته‌ها و کتیبه‌های کشف شده در مغولستان نیز یافت می‌شود. در کتیبه‌های نوشته شده به نام خاقان قرن هشتم، خان اوغوز یا توقوز اوغوز (تحت‌اللفظی - یعنی نه اوغوز ظاهرا زمانی که اوغوزها به نه طایفه تقسیم شده بودند) ها را قوم خود می‌نامد. از یک قیام توقوز - اوغوزها در برابر خاقان به‌عنوان آنچنان واقعه غیر عادی که برای به‌وجود آوردن بهشت و بهم‌ریختن کره خاکی بوقوع پیوسته بود، صحبت شده است. در جای دیگر خاقان قوم خود را "ترکها" و خود را خاقان ترک می‌نامد بعضی مواقع کلمات "ترکها" و "اوغوز" پهلو - به‌پلهوی هم می‌آیند. به‌نظر می‌رسد که این نکته توجیه کننده، این استنتاج باشد که هر دو کلمه به همان قوم یگانه اشاره می‌کنند و اینکه اوغوزها قوم ترکی بودند که در قرن ششم بعد از میلاد امپراطوری وسیع چادرنشینی کشیده شده از مرزهای چین به سرحدات ایران و روم شرقی را تشکیل دادند. از نقطه‌نظر گرامری خواندن آن عبارتهای کتیبه‌ها که "ترکها" و "اوغوزها" پهلوبه - به‌پلهوی هم می‌نشینند، به‌صورت "ترکها و اوغوزها" نیز ممکن است. برداشت و تاملن نیز بدینگونه است. اما اگر در قرن هشتم در مغولستان قوم ترکی متفاوت از اوغوزها، قارلوقها و غیره وجود داشته، این قوم به زودی بدون به‌جا گذاشتن هیچ نشانه‌ای محو شده است. قبلا" جغرافی دانان عرب از کلمه ترکها به عنوان یک نام‌گذاری کلی در برگیرنده تعدادی اقوام که از جنبه زبانی وابسته به یکدیگر بودند استفاده می‌کردند. در آن روزگاران در آنجا یک قوم جداگانه که فقط به سادگی ترکها نامیده شود، وجود نداشت کاربرد نام ترکها به عنوان یک اصطلاح سیاسی به‌نظر می‌رسد که در حوالی سال ۷۴۰

میلادی با سقوط خاقان نشین غرب - ترکی که آخرین نمایندگان آن در قبایل " تورکش " بودند موقتا " موقوف شده باشد به زودی در قرن دهم خاقانها ترک، این بار اسلام پذیرفته هایشان در کاشغر و بالاساغون دوباره ظهور کردند، آنان یکبار دیگر شروع کردند به اینکه خود و قومشان را ترک نامیدند و آن هنوز مسئله عمده ای است که این خاندان از کدام قوم بخصوص ظهور کرده بودند. بدین لحاظ می توان این امر را بیشتر یا کمتر محتمل دانست که کلمه ترکها یک اصطلاح سیاسی و واژه اوغوز یک اصطلاح قوم نگارانه بوده است. این فرض با استعمال تعبیر " ترکهای من "، " قوم من " در کتیبه ها تأیید می شوند در آن روزگار نام " ترکها " یک اسم عمومی برای همگی ترکها در معنای امروزی آن نبود. خاقانهای اویغور، جانشینان خاقانهای اوغوز در مغولستان (۷۴۴ میلادی) از دورترین زمانی که از کتیبه هایشان می توان استنباط کرد، خود را ترکها نمی نامیدند. و چنینها هنگامی که اصطلاح خودشان تو - چوئه - یعنی ترکها - را به اویغورها یا قرقیزها توسعه ندادند در عمل خود محق بودند. اوغوزها که مسکن اصلی آنان در شمال شرقی مغولستان بود. در پیشروی خود به جانب غرب با خود کلمه ترکها را به همراه آوردند و فقط عربها بودند که کاربرد این کلمه را برای نام گذاری و تشخیص اقوام یک گروه نامحدود زبانی شروع کردند. بر اساس یکسانی زبانها و تشکیلات سیاسی، هم اکنون و در گذشته نیز مسعودی کل جمعیت دنیای شناخته شده خود را به هفت ملت تقسیم می کند که آنها را به ترتیب زیر بر می شمارد: ۱- ایرانیها. ۲- کلدانیها و اقوام منسوب به آنان شامل اعراب. ۳- یونانیان و اقوام وابسته از جهت سیاسی به آنان شامل اسلاوها، فرانکها. ۴- لیبیاییها که مصریان نیز جزو آنان محسوب می شوند. ۵- ترکها. ۶- هندیها. ۷- چینیها. در کتیبه هایی که در مغولستان نگهداری می شوند کلمات " اوغوز " و " نوغز اوغوز " به یک معنا به کار برده شده اند در تومینولوژی (علم اصطلاح شناسی) جغرافی دانان عرب، اوغوزها و تسوقوز - اوغوزها مردمانی متفاوت بوده اند که در نواحی مختلف زندگی می کرده اند.

اوغوزها، آنگونه که دیده‌ایم در حاشیه قلمروهای اسلامی از ساحل شرق دریای خزر تا ناحیه اسفیجات بسر می‌بردند، در حالی که توقوز اوغوزها در ترکستان چین امروزی از کوچا به سمت شرق، که مرکز سرزمین آنان نزدیک " تورقان " واقع بوده زندگی می‌کرده‌اند. به نقل " ابن‌اثیر " مورخ قرن سیزدهم، اوغوزها زمانی بخشی از توقوز اوغوزها بوده‌اند که در زمان خلیفه مهدی از آنان جدا شده‌اند (۷۸۵-۷۷۵) مطابق منابع چینی، ناحیه‌ای که اعراب برای توقوز اوغوزها تعیین می‌کنند، از جانب اوغوزهایی که توسط قرقیزها از مغولستان رانده شده و ناحیه تورقان را در سال ۸۶۶ میلادی اشغال کردند، مسکون شده بود. این نکته ما را به این نتیجه می‌رساند که توقوز اوغوزها، ذکر شده از منابع غرب و اوغوزهای چینی یک قوم یکسان هستند. بر سراری چنین یگانگی‌ای به وسیله دانش‌پژوهان به‌عنوان یک " حقیقت کاملاً " قطعی برای استنباط‌های بعدی به‌کار برده می‌شد. بدین‌سان مارکوپولو این حقیقت را خاطر نشان می‌سازد که ابن‌خردادبه، جغرافی‌دان قرن نهم در شرح پیشین‌تر اثرش که برای دگوتجه پیش از ۸۵۰ میلادی تعییت تاریخ می‌کند، توقوز اوغوزهای ناحیه‌ای نزدیک تورقان را می‌شناخت این حقیقت البته نشان می‌دهد که برخلاف رای دگوتجه نمی‌توان برای شرح گفته شده پیش از ۸۶۶ میلادی، تعییت تاریخ کرد در واقع نام توقوزغوز (توقوز اوغوز) در منابع عرب جلوتر از این تاریخ ظاهر می‌شود. قبلاً " در نخستین اثر جغرافیایی که به عربی تصنیف شده، یعنی اثر محمد خوارزمی که او در نزدیکترین وضعیت زمانی ممکنه در نیمه نخست قرن نخست قرن نهم نوشته است. نخستین (سیتیا‌های) دوگانه بطلمیوس: از جانب غرب با " سرزمین ترکها " و دوم، از جانب شرق با سرزمین توقوز اوغوزها یکی دانسته شده است. طبری مورخ، پیش از تاریخ ۲۰۵ هجری (۸۲۰ میلادی) از تاخت و تاز توقوز اوغوز در اشروسنه، ولایتی که طبق اطلاع ما، ناحیه‌بین خوجند تا جیزک، شامل سرزمینهای کناره زرافشان بالائی را در برداشته، صحبت می‌کند. تولون‌نیای خاندان تولونی مصر (۹۰۵-۸۶۸ میلادی) از

بین توقوز اوغوزها برخاست که او را میرسامانی نوح ابن اسد فرمانروای سمرقند به دربار خلیفه مامون فرستادند. کاملاً ممکن است که تولون در لشکرکشی نظامی مسلمانان در سال ۸۲۰ میلادی (۲۰۵ هجری) اسیر آنان شده باشد. خود مارکوپولو گزارشی را از جاحظ که در سال ۸۶۹ میلادی در گذشت، اقتباس می‌کند که نشان می‌دهد که این مولف توقوز اوغوزها را نه به عنوان تازه واردین بلکه قومی که در ترکستان شرقی مدت مدیدی ساکن شده‌اند شناخته است او می‌گوید: که در قدیم توقوز اوغوزها علیرغم کمتر بودن مقدارشان از قارلوق‌ها برتر از آنان بودند، اما وقتی که آنان به مذهب مانوی روی آوردند خصوصیات جنگی خود را از دست داده‌اند، ذکر قارلوق‌ها به وضوح نشان می‌دهد که گزارش وقایع روی داده در ترکستان شرقی و نه مطابق عقیده مارکوپولو کشمکش بین اوغوزها و قرقیزها در مغولستان را مورد بحث قرار می‌دهد. نه چینی‌ها و نه منابع غربی اطلاعات کاملاً روشنی در باب گروه‌بندی‌های مجددی که تقریباً "تسخیر فضای مابین چین تا ولایات مرزی ایران و رم توسط ترک‌ها شکست‌های تحمیل شده بر ترک‌ها از جانب اوغوزها در شرق و توسط اعراب در غرب که به تجزیه نهایی امپراطوری ترک را به همراه داشت، نمی‌دهند. ما از منابع رومی می‌دانیم که در قرن ششم سلطه ترک‌ها بر غرب ولگا نیز سرایت کرد. بعد از تصادم آنان با رومی‌ها در ۵۷۶ میلادی ترک‌ها شهر بوسپوروس سیمیریا (کوچ) را محاصره و تسخیر کردند اما در ۵۹۰ میلادی قوای رومی دوباره بر آنجا استیلا یافت.

" ادامه دارد "

مستحکم باد پیوند خلق‌های سراسر ایران

شناخت شعر کلاسیک ترکمن

(فرم و وزن) (۲)

در ادبیات کلاسیک ترکمن فرم شعری غوشیق برای بیان شعری داستانها نیز به کار رفته است. چنانکه کوراوغلی قهرمان حماسی ترکمن خطاب به جنگاوران خود می گوید:

بدوآت گیرسه میدانا

غوجاداغینگ باشین گوزلار

غوج بیگیت گیرسه میدانا

دوردین ییقپ باشین گوزلار

غیر از فرم غوشیق فرمهای دیگر شعری نیز از طرف مختوم قلی فراغی در شعر کلاسیک ترکمن پیاده شده است، این فرمها را عموماً "می توان به دو بخش جدا نمود:

الف - فرمهای شعری که در شعر فارسی موجود بوده و مختوم قلی آنها را با خلاقیت هنرمندانه خود در شعر ترکمنی به کار برده است. مانند: مخمس، سدس، سئوال و جواب که بعدها توسط شاعران دیگر ترکمن نیز دنبال شده و به صورت فرمهای اصلی شعر کلاسیک ترکمن درآمده است:

مخمس:

گهل گیده یلی کمینه سیلی چمن ایسته سنگ

لاله - ریحان آچیلان ترانچمن ایسته سنگ

لعلی گوهر داقینیب دوری یمن ایسته سنگ

زولفینگ هر بیر نارینا یوزمونگ تومن ایسته سهنک
ناغیده بره پین پول لارین ، بیر بیردهن سانا زولفینگ

"کمینه"

غزل :

گرچه عشقینگ در دیدیر دیوانه جانینگ آفتی
آشنا اهلی بو غمینگ دایم ایه سیدیر کونگیل

"مختومقلی"

مسدس :

مختومقلی نوش ایدتم غم باده سین ایکی طاس
اوج ایچر که رغبت یوق چون جاندان بولدیم خلاص
سریمده سانسیز سودا ایچده وسواس الخنات
کلینگ بیر تدبیر ایلانگ بودر ده ایها الناس
دیزجو کیپ دم اورسالار عیسی خضرهم الیاس
غالیماز زنده بولماز خود مرده بولان کونگلیم

"مختومقلی"

سئوال و جواب :

دیدیم یوزی تابانه

دیددی منگزار منگلی حان

دیدیم غویدینگ آرمانه

دیددی کونگلدیر ویران

"مختومقلی"

ب - فرمهای شعری که مختوم قلی فراغی با بهره گیری از فولکلور و زبان شعری خلق ترکمن و یا کاملاً با ابتکار و خلاقیت خود آنها را در شعر خود به کار گرفته است . اینگونه اشعار به عللی خیلی کم در اشعار شاعران دیگر خلق مشاهده می شود . در بعضی از این اشعار کلمه (قافیه) برخلاف معمول در ابتدای بند می آید :

آرزودا گزه راییل لهر

خدما تفا گله رغول لار

تازه آچیلغان گول لهر

ای جادی جرهن گوزلی

ای شهد شکر سوزلی

ای شمس و قمر یوزلی

همانطور که مشاهده می‌شود گذشته از سه مصرع هر بند که با هم هم قافیه هستند، قافیه اصلی هر بند که در مصرع چهارم می‌آید برخلاف معمول در اینگونه اشعار از ابتدای مصرع می‌آید، مثل "تابانه" و "بوستانه" در نمونه داده شده فوق. نوع دیگر اینگونه اشعار بدین نحو است که مصرع چهارم بند اول بصورت مصرع قافیه در تمامی بندهای دیگر عیناً تکرار می‌شود:

آ (۱) غوج بیگیتله رغزات اوچوین چیقارلار

آ سیروارلاری بایا و پولاباقار لار

آ با تیرلاری غایتمازغالا بیقارلار

ب کونگیل آرزو ایلار وانانیم سنسی

آ (۲) حیف آباد ایل له‌ریبر بیبا دبولدی

آ دوستلار غمگین بولدی دوشمان شادبولدی

آ آیریلشدی آشنایار لاریاد ببولدی

ب کونگل آرزو ایلار، وانانیم سنسی

مختومقلی با بهره‌گیری از برخی کلمات در زبان ترکمنی که در حالت تکراری از یک فرم ریتمیک و آهنگین برخوردار می‌شوند، در ساختمان شعری خود، شعر کلاسیک ترکمن را از نظر فرم اعتباری تازه می‌بخشد.

بیراکاکیلیک آلدیرسا تورفه‌بالاسین

"سایرای، سایرای" ایزلامیان بولارمی

آق جرهن آلدیرسا الدهن آولاغین

"مالهی، مالهی" گوزله یمن بولارمی

از ابتکارات بسیار جالب مختوم قلی در شعر کلاسیک ترکمن پی‌ریزی فرم شعری جدیدی است که از نظر شکل تا حدودی شبیه شعر نو فارسی می‌باشد:

کونگیل لهر کوشگینده خیالینگ خانی
اولاد هونگکاره منگزار حوکوملی
عاشیق چکسه نالانی
یاساسا لار لالانی
غمزانگ غاراقچی سی سالساتالانی
یرده پشه پادشانی
خدا بیمنینگ حالانی

"مختومقلی"

کیر بیگینگ اوق غاشینگ یایدیرچه کیملی

این کار از طرف شاگردان مختومقلی ادامه پیدا کرده چنانکه ذیلی در

شعر خود "ایلهدی حسنو ناخریدار منی" می نویسد:

یانگی باشدان اوداسالدی یارمنی

ایلهدی حسنو ناخریدار منی

زولف لهری دارتا منی

آغلاتدی زار زار منی

غاشی کمان کیرفیک لهری دیرمنی

اگر گورسه غمزلاری ایبر منی

اولدیر بوگون گوزلهری غانخور منی

"ذیلی"

علاوه بر اینها فرمهایی نیز در اشعار مختومقلی و دیگر شعرای ترکمن

مشاهده می شود که هر بند شعر مرکب از ۷ الی ۹ مصرع می باشد که مصرع آخری

بند اول با مصراع آخری بندهای دیگر هم قافیه می شود.

"وزن شعر"

از نظر وزن، شعر ترکمنی براساس وزن هجائی تنظیم شده است. همانگونه

که در اشعار فولکلوریک ترکمن نیز مشاهده می‌کنیم .

لازم به‌تذکر است که اشعار مختومقلی فراغی از این امر مستثنی می‌باشد زیرا وی در اشعار خود علاوه بر وزن هجائی از اوزان عروضی متداول در شعر فارسی نیز استفاده کرده است ، که این امر استحکام و انسجام بیشتری به اشعار مختومقلی بخشیده است . عمده اشعار کلاسیک براساس ۷-۸- و ۱۱ هجائی سروده شده است .

ایلیندهن آیرادوشهن

آه اورا رایلی گوزلار

یولیندان آیرادوشهن

جهداده ریولی گوزلار

"مختومقلی"

وزن این شعر هفت‌هجایی می‌باشد .

نالهر و گوردیک ظالم خانان

آییردی عزیز واتانندان

ذلیلی دیر شو مکانندان

گویا دیوان یالی بولدیم

"ذلیلی"

وزن این شعر هشت‌هجایی می‌باشد .

اولی ایلینگ آرقاسی سن آردی سن

غوچا غینگ غوچی سن ، غوچینگ مردی سن

داغدا پلنگ چولگه لرینگ غوردی سن

دوشمان گورسنگ اتین ایرسن اورازیم

"کیمنه"

وزن این شعر ۱۱ هجایی می‌باشد .

علاوه بر اینها اشعار زیادی وجود دارد که براساس چهارده و پانزده هجایی سروده شده است . از ابتکارات جالب مختومقلی این است که در اشعار چهارده هجایی هر مصرع آنرا نیز به دو بخش هفت‌هجایی تنظیم کرده است که این به‌آهنگین شدن ریتم شعر تاثیر فراوان دارد ؛
سرودی صدا بیرله جهان بیوزی آباد دیر

مغرور سرود اولماتانی سرود بیباد دیر
حاق عشقیندا زنده جان بیلینگ باقی حیاتدیر
هر تنده که عشق اولماز روزازل ممتدیـــــ
یازاوتینچایر کوکئی گوندهن گونه زیاد دیر
بیر حشر قیامتدیر بیریوم عرصاتدیـــــ

دھرا یچره بولارھردم جهان ایچره جان پیدا
مختومقلی آمدن بهار و زیبایی طبیعت را در این شعر با وزن چهارده
هجایی با کمال استادی توصیف کرده است .

" ادامه دارد "

www.iran-archive.com

«يك شعر تركمنی»

«واتان چی نینگ آیدیمی»

واتان اوچوین جان بهره رین
واتانیم مهنک انام — آنام
گوریب بیلمه یان دوشمانلار
غوی همیشه توتیسن ماتام
من گوره شجهنگ گورهش اوغلی
هیچ بیرزاندان هذهراتمن
دوشمان آغرام سالان واغتی
اوزانیپ من اویده یاتمان

دوستیم دهنگیم ، دوشیم بیلمن
واتان غوراغینا گیده رین
غودوزلان واغشی ایتله ری
اوریب تاری ما راده رین
واتان اوچوین غوربان بولسام
آدیما مهنک شهرات بولار
انهمدن امن آق سویدیم
من گوره شجهنگ ، گورهش اوغلی
هیچ بیر زاندان هذهراتمن
دوشمان آغرام سالان واغتی
اوزانیپ من اویده یاتمان

غانخور فاشیست‌لارا
آریم بار مہنگ ، نامیسیسم بار
بیربیرینه ایکی اوریپ
فاشیست‌لاردان آلا رین آر
من گوره شجه‌نگ گوره‌ش اوغلی
هیچ بیرذاتدان هذره راتمن
دوشمان آغرام سالان واغتی
اوزانیپ من اویده یاتمان

مهنینگه اوچوین حالال بولار
من گوره شجه‌نگ ، گوره‌ش اوغلی
هیچ بیر ذاتدان هذره راتمن
دشمان آغرام سالان واغتی
اوزانیپ من اویده یاتمان

ش-ک ۱۹۴۱

«خودمختاری شورائی در ترکمن صحرا»

ترجمه شعر ترکمن

«سرود میهن پرست»

در ره میهن جان فدا می‌کنم
مادرم ، پدرم ، میهن منند
دشمنان که چشم دیدن میهنم را ندارند
بگذار همیشه ماتم بگیرند .
من فرزند جنگم ، جنگاورم
از چیزی باکم نیست
به هنگامی که دشمن می‌توپد
در خانه آسوده نخواهم خوابید

همره دوستان و یاران
به حراست از وطن میروم
سگان وحشی هار را
می‌زنم تارومار می‌کنم
من فرزند جنگم ، جنگاورم
از چیزی باکم نیست
به هنگامی که دشمن می‌توپد
در خانه آسوده نخواهم خوابید
ننگ دارم از فاشیستهای خونخوار
به هم خواهم کوفتشان
و از فاشیستها انتقام خواهم گرفت

من فرزند جنگم ، جنگاورم
از چیزی باکم نیست
به هنگامی که دشمن می توپد
در خانه آسوده نخواهم خوابید

گر در ره میهن فدا شوم
اسم شهره خواهد شد
و حلال خواهد شد
شیر سفیدی که از مادرم مکیده‌ام
من فرزند جنگم ، جنگاورم
از چیزی باکم نیست
به هنگامی که دشمن می توپد
در خانه آسوده نخواهم خوابید

ش - ک ۱۹۴۱

از مبارزات حق طلبانه

خلق نژاد من

پشتیانی کنیم

بازتلیش از انتشارات کار

